

اشاره

بازی عبارت است از هر نوع فعالیتی که برای تفریح و خوشی و بدون توجه به نتیجه نهایی، صورت می گیرد، انسان به طور داوطلبانه وارد این فعالیت می شود و هیچ نیروی خارجی و یا اجباری در آن دخیل نیست.

بازی کودکان موضوع سهل و ممتنعی است که بررسی آن مستلزم در نظر داشتن حداقل دو مقوله چگونگی رشد فیزیکی و رشد ذهنی کودک است. بازی و اسباب بازی دو مقوله برای رشد و شکوفا شدن استعدادهای کودکان است و متعلق به تمامی انسان هاست. برخی از اسباب بازی ها می توانند کودکان را به بازی های سرشار از خلاقیت و ابتکار تشویق کنند. اسباب بازی باید همواره مناسب سن، علایق و توانایی های ذهنی و رشدی کودک باشد؛ به طوری که کودک آن را با میل بپذیرد و در حین اجرا از آن واقعا لذت ببرد. همچنین باید وسیله رشد کودک باشد و او را به حرکت و تفکر و اراده و به مبارزه و تلاش فراخواند. در اهمیت بازی و اسباب بازی، همین بس که کودک قسمت اعظم وقت خویش را صرف آن ها می کند. حفظ امنیت کودک در زمان بازی تحت تأثیر خود کودک، نوع بازی، اسباب بازی و محیط قرار می گیرد. نوع بازی توسط خود کودک تعیین می شود و دخالت در آن دشوار است ولی دو مقوله اسباب بازی و محیط بازی را می توان تغییر داد تا امنیت کودک به صورت هر چه تمام تر تضمین گردد.

کلیدواژه ها: بازی، ایمنی، اسباب بازی، ارگونومی (مهندسی انسانی)

کودک نیازمند شادی است. بازی کردن این امکان را فراهم می آورد که کودکان در عین شاد بودن زندگی کردن را نیز بیاموزند. بازی کردن جزء جدایی ناپذیر رشد و نمو دوران کودکی و در واقع «شغل» کودک است (اسکوئی زاده، ۱۳۹۳).
کودکان به عنوان

ایمنی و ارگونومی اسباب بازی



بازی دارای هدف در خود است.	بازی اختیاری است نه اجباری.
بازی دلبذیر و خوشایند است.	بازی فاقد سازمان است.
بازی از قید کشاکش و پرخاش آزاد است.	

نیومن: معیارهای بازی از کنترل درونی، واقعیت درونی و انگیزه باطنی تشکیل می‌شوند. فعالیت را بازی گویند که این خصوصیات بر آن حاکم نباشند و در مقابل کنترل خارجی، واقعیت برونی و انگیزه عارضی قرار گیرد. (اسپاگت برنارد).

ارگونومی: تعریف‌های متعددی از ارگونومی آورده شده است. در تعریفی، ارگونومی از دو بخش Ergos به معنی کار و Nomicos به معنی قانون تشکیل شده، و در مجموع به معنای مطالعه قوانین کار است. از این واژه در آمریکا معادل دو کلمه «فاکتورهای انسانی» و «مهندسی انسانی» استفاده می‌شود. در زبان فارسی نیز به «کار شناخت» تعبیر شده است (فقیه، ۱۳۷۵).

همچنین ویلکینسون، سوايتزر و چادبرن، (به نقل از کاری و دیگران ۱۹۹۸) گفته‌اند که ارگونومی مطالعه چگونگی برخورد با محیط فیزیکی اطراف انسان است.

بازی کودکان موضوع سهیل و ممتنعی است که با توجه به حداقل دو مقوله چگونگی رشد فیزیکی و رشد ذهنی کودک باید آن را بررسی کرد. بازی و اسباب بازی دو مقوله برای رشد و شکوفا شدن استعدادهای کودکان است و متعلق به تمامی انسان‌هاست. برخی از اسباب بازی‌ها می‌توانند کودکان را به بازی‌های سرشار از خلاقیت و ابتکار تشویق کنند (یاسری، ۱۳۹۵).

عوامل متعددی در بازی کودکان تأثیر دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از سن، جنس، هوش، و محیط.

تأثیر سن: کودک در هر سنی بازی خاصی را می‌پسندد؛ مثلاً در همان روزهای اول تولد، به لگد زدن و حرکت دادن دست‌ها علاقه دارد. از اینکه باد در گلو اندازد و از حنجره و دهان صدا خارج کند و لب‌ها را به حرکت درآورد، لذت می‌برد. کمی که بزرگ‌تر می‌شود، اطرافیان با او بازی می‌کنند و مثلاً خود را مخفی می‌کنند و بعد ظاهر می‌شوند و می‌گویند «دالی» و موجبات شادمانی و لذت کودک را فراهم می‌سازند (جلالی، ۱۳۶۰). در سال‌های اولیه کودکی، الگوی بازی کودکان نشانه تغییر رشدی آن‌هاست. کودک خردسال بیشتر به بازی انفرادی نیاز دارد که بعداً با بازی موازی دنبال می‌شود؛ یعنی دو کودک در کنار هم و نه با یکدیگر بازی می‌کنند. آن‌ها ممکن است از یک وسیله نیز استفاده کنند، ولی مستقل از یکدیگر و بدون ارتباط زیاد با هم به کار و بازی بپردازند. کودکان سه تا چهار ساله، بیشتر به بازی ارتباطی می‌پردازند؛ یعنی با کودکان دیگر نیز بازی

حساس‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه جامعه، ضمن تأثیرپذیری از محیط پیرامون، قابلیت‌ها و توانایی‌های قابل توجهی در شکل‌دهی به آن دارند (اسماعیل نجفی و دیگران، ۱۳۹۶). از این رو، انتخاب وسایل بازی مناسب برای کودکان در هر سنی بسیار حائز اهمیت است. علاوه بر این وسایل بازی باید از ایمنی و کیفیت لازم برخوردار باشند. اگر محیط و وسایل بازی کودکان به دقت انتخاب شوند، موجب ارتقای کیفیت بازی و رشد کودک می‌گردند (اسکوتی‌زاده، ۱۳۹۳).

ارائه تعریف جامع و مانعی از بازی، که مورد تأیید همه نظریه‌پردازان روان‌شناسی باشد، وجود ندارد. هر صاحب‌نظری براساس تجربیات، مشاهدات، اعتقاد، نگرش و دیدگاه خود بازی را به نوعی تعریف کرده است و هر یک از این تعاریف با برجسته نمودن جنبه‌ای از بازی دیدگاه خاصی را ارائه می‌کند. بین تعاریفی که از بازی شده اشتراک و تشابه زیادی وجود دارد.

اولین کسی که به بازی‌های پویایی کودکان توجه کرد، دیوید شاول، متخصص تعلیم و تربیت اسکاتلندی بود که اعتقاد داشت زمین بازی، بهشت است. «فردریک فروبل» نیز که هم‌عصر او بود و به گونه‌ای مبدع مفهوم باغ کودکان به شمار می‌آید، عقیده داشت که باغ کودکان باید نمونه کوچکی از این دنیا باشد که جنبه‌های مثبت و گوناگون آن را منعکس می‌کند (پهلوان‌زاده، ۱۳۸۵).

هارلوک در تعریف بازی می‌نویسد: «بازی» عبارت است از هر نوع فعالیتی که برای تفریح و خوشی و بدون توجه به نتیجه نهایی، صورت می‌گیرد. انسان داوطلبانه وارد این فعالیت می‌شود و هیچ نیروی خارجی یا اجباری در آن دخیل نیست (هارلوک، ۱۳۹۵).

فروبل اعتقاد دارد که بازی یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند باعث هماهنگی رشد کودک از لحاظ جسمی، روانی و اجتماعی شود. شاید بتوان گفت که بازی به عنوان سرگرمی، اولین و بدیهی‌ترین تأثیر بازی است و مسلماً در سلامت و شادابی جسم و روان تأثیر بسزایی دارد (لندرت، ۱۳۷۰).

بازی تعیین‌کننده جایگاه اجتماعی کودک و وسیله ارتباط با سایر کودکان است. با استفاده از آن می‌توان با کودکان رابطه برقرار نمود. در کودکان به علت اینکه از لحاظ کلامی به پختگی لازم نرسیده‌اند، بازی می‌تواند وسیله مؤثر ارتباط باشد (لندرت، ۱۳۷۰).

کودک با استفاده از بازی به فعالیت‌های مفرحی می‌پردازد که در آن‌ها مقبولیت اجتماعی بیابد و هرچه در این راه موفق‌تر باشد، جامعه‌پذیری راحت‌تر و سهیل‌تری خواهد داشت. همچنین، مشارکت، همکاری، و رعایت حقوق دیگران و رعایت قوانین اجتماعی در بازی‌ها آموخته می‌شود. (لندرت، ۱۳۷۰) پیازه، روان‌شناس معروف سوییسی، برای تمیز و تشخیص بازی از کار، پنج معیار را به عنوان شاخص‌های بازی معرفی می‌کند:

وارد بازی کودکان می‌شوند. واقعیت‌ها تغییر شکل می‌یابند و اشیایی که وجود ندارند، به وسیله اشیاء دیگر نمایش داده می‌شوند. از تکه چوبی، اسب و با قرار دادن چند بالش در کنار هم خانه یا باغچه می‌سازند. کودک در این مرحله تجارب زندگی را تمرین و به شکل‌های مختلف آزمایش می‌کند (مقدم، ۱۳۸۴).

پ. بازی‌های با قاعده (۱۱ - ۷ سالگی)

در این مرحله، آثار بازی برای تمام عمر باقی می‌ماند و هم‌زمان با رشد کودک و گذشت زمان به صورت کامل‌تری انجام می‌شود. قواعد بازی‌های با قاعده معمولاً از بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها یا از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (توفیق، ۱۳۸۵). در بازی‌های با قاعده علاوه بر رقابت، قراردادهایی وجود دارد که نهادهای شده‌اند و قراردادهایی که ممکن است دائمی باشند و یا براساس موافقت موقتی خود بازیکنان در نظر گرفته شده باشند (رانسون، ۱۳۷۷).

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، کودک در هر سنی بازی‌های خاصی را انجام می‌دهد و بعضی از آن‌ها را رها می‌کند؛ مثلاً بچه‌های کودکستانی بازی با مکعب‌های چوبی را رها می‌کنند، زیرا اشیائی از قبیل رنگ، گل رس، و مدادرنگی فعالیت‌های جالب‌تر و متنوع‌تری را به آن‌ها عرضه می‌کنند. وقتی کودک نمی‌تواند اسباب‌بازی‌ها و عروسک‌هایش را جاندار فرض کند، این بازی‌ها نیز جذابیت خود را از دست می‌دهند. به این ترتیب، او کم‌کم به سوی بازی‌هایی مثل فوتبال، بسکتبال، شطرنج و بازی‌های فکری پیچیده می‌رود که نیازهای فکری، جسمی، روانی و اجتماعی‌اش را بهتر رفع می‌کنند.

تأثیر جنس: جنسیت یکی از عوامل مؤثر در بازی است؛ از این رو، می‌توان گفت که بازی پسران با دخترها تفاوت دارد. در تفاوت بین بازی دختران و پسران عواملی مؤثر است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف. طبیعت و فطرت کودک: بعضی از دختران طبیعتاً به بعضی از بازی‌ها علاقه نشان می‌دهند و بعضی از پسران به بازی‌های دیگر؛

ب. انتظارات و توقعات والدین و جامعه: این انتظارات از دختر و پسر نیز کم‌کم آنان را به سوی تفاوت بین بازی‌های

می‌کنند و می‌توانند وسایل خود را تا حد معینی به دیگران بدهند و با آن‌ها شریک شوند. ولی در عین حال نمی‌توانند علایق فردی خود را فدای گروه کنند و به اصطلاح از گروه تبعیت کنند. از چهار و چهار و نیم سالگی تا شش سالگی کودک بیشتر و بیشتر به بازی اشتراکی روی می‌آورد؛ یعنی در موقعیت‌های گروهی که هدف مشترکی را دنبال می‌کنند به بازی گروهی می‌پردازد (کول ونیتا، ۱۳۹۲).

پیاژه در این زمینه به تفکیک براساس سن افراد پرداخته است. بدین ترتیب که او معتقد است در جریان رشد سه نوع بازی مشاهده می‌شود که از نظر ساختار با یکدیگر متفاوت‌اند و به ترتیب یکی پس از دیگری ظاهر می‌شوند.

الف. بازی‌های تمرینی (۲ - ۱ سالگی)

در بیان چگونگی بازی‌های تمرینی، پیاژه بازی را وسیله‌ای برای لذت بردن از حواس می‌داند؛ زیرا کودک لمس کردن، چشیدن، گوش کردن، حرکت اعضای بدن و احساس کیفیت مختلف اشیاء را از راه به کارگیری حواس در می‌یابد و این جریان سبب لذت بردن او می‌شود. کودک با استفاده از حواس از تقلید پا فرا می‌گذارد؛ به تکرار می‌پردازد و حرکاتش از شکل ابتدایی آزمایش و خطا به مهارت می‌رسد. این حرکات تقلیدی مقدمه‌ای می‌شوند براینکه کودک بتواند به اعمال پیچیده‌تری دست بزند.

ب. بازی‌های نمادی (۵ - ۲ سالگی)

در این مرحله از بازی که از دو سالگی تا پنج‌سالگی ادامه می‌یابد، عناصر جدیدی

برخی از روان‌شناسان تنوع محرکات را مهم‌ترین عامل محیطی در رشد هوش می‌دانند؛ هر چقدر کودک بیشتر ببیند، لمس کند و از حواس خود بیشتر استفاده کند، در سال‌های بعدی زندگی به دیدن، شنیدن، لمس کردن و استفاده از سایر حواس خود علاقه بیشتری نشان خواهد داد

پسرها به جای بازی با دخترها آن‌ها را آزار می‌دهند و مسخره می‌کنند. اگر پسری با گروهی از دخترها بازی کند، پسرهای دیگر او را مسخره می‌کنند (شریفیان، ۱۳۷۳).
تأثیر محیط: تأثیر محیط بر بازی کودک از دو دیدگاه قابل بررسی است:

۱. غنا بخشیدن به محرکاتی که کودک با آن‌ها بازی می‌کند.

برخی از روان‌شناسان تنوع محرکات را مهم‌ترین عامل محیطی در رشد هوش می‌دانند؛ هر چقدر کودک بیشتر ببیند، بشنود، لمس کند و از حواس خود بیشتر استفاده کند، در سال‌های بعدی زندگی به دیدن، شنیدن، لمس کردن و استفاده از سایر حواس خود علاقه بیشتری نشان خواهد داد. البته باید توانایی‌ها و محدودیت‌های فکری کودک را شناخت و کیفیت و کمیت محرک‌ها را با آن تطبیق داد؛ یعنی محرک‌های محیطی باید بجا و به‌اندازه باشند و گرنه، نه تنها اثر مثبتی ندارند بلکه ممکن است سبب اغتشاش فکری و اختلال در یادگیری کودک شوند. کمبود محرک‌های لازم برای رشد منجر به رشد ناکافی سلسله اعصاب مرکزی و به‌خصوص مغز می‌شود؛ در نتیجه، شخص از نظر هوش - که عملکرد مغز و به‌خصوص قشر مغز است - رشد کافی نمی‌کند. این قاعده که وجود نور برای رشد و تکامل چشم لازم است و اگر انسان در خردسالی از نور محروم باشد در آینده حتی با وجود چشم سالم، حس بینایی طبیعی نخواهد داشت، در مورد سایر حواس نیز صدق می‌کند (اسکوئیلر، ۱۳۷۲). کودک باید دنیای اطراف خود را بشناسد؛ مثلاً انسان‌ها،

اجسام را ببیند، اشیاء را لمس کند، صداها را بشنود و امکان تجربه رفتارهای گوناگون را داشته باشد. بنابراین، تأکید می‌شود که تنوع و تحرکات محیطی را برایش فراهم نمایید و اسباب‌بازی‌های مختلفی تهیه کنید حواس او هرچه بیشتر پرورش یابد؛ یعنی هرچه بیشتر ببیند، بشنود، لمس

دخترانه و پسرانه سوق می‌دهد.

ترمن فهرستی از بازی‌هایی را که دختران و پسران علاقه چشمگیری به آن‌ها نشان می‌دهند، تنظیم و ارائه کرده است. بازی‌هایی که پسران بیشتر انتخاب می‌کنند و به آن‌ها علاقه دارند عبارت‌اند از: استفاده از ابزارها، تیراندازی، بادبادک‌بازی، دوچرخه‌سواری، تیله‌بازی، کشتی (بوکس)، فوتبال، فرفره‌بازی، کامیون و ماشین بازی و دویدن و...؛ بازی‌های مورد علاقه دختران عبارت‌اند از: عروسک‌بازی، طناب‌بازی، مهمان‌بازی، پذیرایی، تشکیل کلاس درس، بافندگی، خیاطی، فروشنده‌گی، معمابازی و...

البته بازی‌هایی هم وجود دارند که هر دو جنس به آن‌ها علاقه‌مندند. لمان و ویتی با استفاده از پرسش‌نامه و ضمن تحقیقی گسترده به این نتیجه رسیدند که پسران بازی‌های فعال و پرتحرکی را که مستلزم صرف انرژی و نیروی بدنی، چابکی، مسابقه و رقابت‌اند، به انواع دیگر بازی ترجیح می‌دهند؛ در حالی که دختران معمولاً به بازی‌های ساکن‌تر، کم‌تحرک‌تر و آرام‌تر علاقه‌مندند. این مطلب را تحقیقات دیگری نیز تأیید کرده‌اند.

ماژروری هونزیک و اریکسون بازی ساختمان‌سازی کودکان ۱۱ تا ۱۳ ساله را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها می‌گویند که پسران اغلب از مکعب‌ها، ماشین، آدمک‌های یک‌شکل با لباس‌های متحدالشکل استفاده می‌کردند و با آن‌ها، ساختمان، جاده، کوچه و فروشگاه می‌ساختند اما دختران بیشتر به نظافت داخلی خانه سرگرم می‌شدند و صحنه‌های خانوادگی را نشان می‌دادند. در دوران کودکی تفاوت زیادی بین بازی دختران و پسران مشاهده نمی‌شود ولی به محض اینکه سن ورود به دبستان فرا می‌رسد، اختلافات آن‌ها آشکارتر می‌شود و ارزش‌هایی که جامعه برای هر جنس قائل است، خود را در بازی‌هایشان نشان می‌دهد. در حدود هفت و هشت سالگی، تفاوت‌های جنسی آشکارتر می‌شود؛ پسران بیشتر تمایل دارند با همدیگر بازی کنند و این در دختران نیز به چشم می‌خورد.

کند و گفت‌وگو کند، رشد عقلانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و روانی‌اش بیشتر می‌شود.

۲. تفاوت بازی‌های کودک در محیط‌های مختلف از نظر جغرافیایی

فرهنگ هر جامعه در بازی اثر می‌گذارد و می‌توان گفت که بازی کودکان به نوعی منعکس‌کننده فرهنگ آن جامعه است. در مناطق محروم، به علت اینکه والدین توانایی اقتصادی زیادی برای خرید وسایل و اسباب‌بازی برای کودکان خود ندارند، آن دسته از بازی‌های سنتی را که چندان نیازمند آلات و اسباب نیستند، به کودکان خود می‌آموزند. در این جوامع کودکان یاد می‌گیرند که برای خود اسباب‌بازی بسازند. این تولید و سازندگی به نوبه خود بازی و فعالیتی دلچسب برای این قبیل کودکان محسوب می‌شوند (احمدوند، ۱۳۹۲).

پس از روشن شدن اهمیت بازی، اکنون اسباب‌بازی‌ها را بررسی می‌کنیم. اسباب‌بازی در زندگی کودکان نقش مهم و مؤثری دارد و برای آنان نوعی غذای روانی است. در واقع، می‌توان گفت که یکی از نیازهای مهم آنان به حساب می‌آید و جزئی از زندگی‌شان را تشکیل می‌دهد. اگر اسباب‌بازی‌های کودکان با دقت و طبق

اصول روان‌شناسی و هدف‌های آموزشی انتخاب شوند، در زندگی اجتماعی و روانی و رشد فکری و تربیتی آنان بسیار مؤثر خواهد بود. اسباب‌بازی باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم (ایمنی، ۱۳۹۴).

اسباب‌بازی باید مناسب سن و علایق کودک و درخور توانایی‌های ذهنی و رشدی او باشد؛ به‌طوری که آن را با میل بپذیرد و در حین بازی از آن واقعاً لذت ببرد. همچنین، باید وسیله رشد کودک باشد و او را به حرکت و تفکر و اراده به مبارزه و تلاش فراخواند. اسباب‌بازی‌های مفید آن‌هایی هستند که:

۱. کودک می‌تواند قطعاتشان را از هم جدا کند و در هر جداسازی با مسئله جدیدتری مواجه شود و حدس بزند که بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد.

۲. انگیزه و محرک مناسب به همراه داشته باشند و بتوانند کودک را جلب کنند. اگر بازی با اسباب‌بازی توأم با موفقیت باشد، کودک به ادامه بازی ترغیب می‌شود؛ مثلاً وقتی قطعات رنگی را براساس رنگ خاصی هماهنگ می‌کند یا جورچینی (پازل) را حل می‌کند، به احساس موفقیت دست می‌یابد و این موفقیت در حکم پاداشی است که دریافت می‌کند.

۳. همچنین به پرورش حواس کودک و به‌ویژه ایجاد هماهنگی بین حرکات چشم و حرکات ظریف دست و گسترش آن کمک کنند، تصورات کودک را گسترش دهند و باعث پرورش کنجکاوی و مهارت‌های بدنی او در کنار مهارت‌های ذهنی‌اش شوند.

۴. مطمئن و بی‌خطر باشند و موارد زیر در آن‌ها رعایت شده باشد:

• اسباب‌بازی‌های چوبی و فلزی، صاف و بدون تراشه باشند؛ به‌طوری که لمس کردن آن‌ها باعث خراشیدگی و بریدگی پوست نشود.

• جنس اسباب‌بازی‌ها از مواد شکننده مانند چینی یا شیشه نباشد.

• اسباب‌بازی‌های کودکان کمتر از دو سال که همه‌چیز را به دهان می‌برند، قابل شست‌وشو باشند.

• لایه‌های درونی اسباب‌بازی‌های پرشده ضدعفونی‌شده و بهداشتی باشد.

• اسباب‌بازی‌های کودکان کمتر از دو سال آن‌قدر بزرگ باشد که کودک نتواند آن‌ها را به دهان ببرد.

• نخ اسباب‌بازی‌های کشیدنی باید چنان ضخیم و نرم باشد

که دست کودک بر اثر

کشیدن آن‌ها نبرد

(احمدوند، ۱۳۸۷).

در پایان، فضاهای بازی و استانداردهای امنیت بازی را که شامل چهار گروه می‌شود، بررسی می‌کنیم.

بازی در فضاهای باز بخش بسیار مهمی از محیط روزمره کودکان را تشکیل می‌دهد. از آنجا که کودکان دنیای اطراف خود را نوعی زمین بازی تصور می‌کنند، طبیعت بستر مناسبی است که می‌تواند آن‌ها را ساعت‌ها به خود مشغول سازد. فضاهای دلخواه کودکان، فضاهایی پر از عناصر طبیعی همچون گیاهان گل‌ها، آب و خاک، شن، حیوانات و حشرات است. دلیل این امر سه کیفیت محیط‌های طبیعی است که شامل تنوع تمام‌پذیر، انسان‌ساخت نبودن، حس جاودانگی و پایان‌ناپذیری آن‌هاست (کریمی، ۱۳۸۶).

استانداردهای امنیت بازی به چهار گروه کلی تقسیم می‌شوند:

۱. از بین بردن خطر: با حذف خطر، امکان خطر نیز از بین می‌رود.

۲. کم کردن میزان خطر: حذف خطر امکان‌پذیر نیست اما دست کم می‌توان درجه شدت یا احتمال وقوع آن را کاهش داد که در نتیجه آن، میزان صدمات، بیماری‌ها یا آسیب‌های احتمالی کمتر خواهد شد.

۳. تهیه وسایل و لوازم امن: لوازم امن خطر را کم نمی‌کنند ولی می‌توانند در کم کردن خطر تأثیر داشته باشد.

۴. تهیه اخطار: اخطارها و هشدارها خطر را کم نمی‌کنند ولی در کم کردن آن مؤثرند. هشدارها می‌توانند سمعی یا بصری و به شکل برجسته‌ها، علامت‌ها و آژیرها، بوق‌ها و صوت‌ها باشند.

۵. تهیه فرایند امن با وسایل امن: فرایندها باید به‌صورتی باشند که طی آن بچه‌ها نتوانند به خود آسیب برسانند؛ در غیر این صورت، همواره باید مردم را برای استفاده از وسایل آموزش داد (Roderick; 2004).

نتیجه‌گیری

در نهایت، می‌توان گفت که امنیت کودکان اهمیت آشکاری دارد که بر کسی پوشیده نیست. برخلاف بزرگسالان که بیشتر وقت خود را در محیط کار سپری می‌کنند و

کنترل عوامل خطرهای محیط کار برای آن‌ها در اولویت قرار دارد، جدی‌ترین فعالیتی که کودکان می‌دهند بازی کردن است. پس امنیت کودک و کنترل عوامل خطرزا در محیط و جریان بازی اهمیت بسیاری دارد. دو مقوله مهم در امنیت کودکان در حین بازی، اسباب‌بازی‌های مورد استفاده و محیط بازی است که با توجه به سن، فرهنگ و سایر عوامل تأثیرگذار، دستخوش تغییر می‌شود ولی رعایت نکات مربوط به امنیت را نباید با توجه به تفاوت بازی و محیط آن در فرهنگ‌های گوناگون فراموش کرد. پیشنهاد می‌شود که مطالعاتی فراگیر درباره نکات ایمنی در جریان بازی و ارگونومی اسباب‌بازی‌ها و محیط‌بازی، به‌صورت عام و نه متمرکز بر دسته خاصی از بازی‌ها، صورت گیرد تا امنیت کودکان هرچه بیشتر تضمین گردد.

منابع

1. The ergonomics of children in playground equipment safety Journal of Safety Research 2004 - Roderick, Larry M.
2. Currie, C. Lyn et al (1998). Taking care of ergonomics: one library, experience. CLA (Canadian library association). Retrieved October 29, 2009. from <http://www.cla.ca/content/Navigation Menu/CLAAatwork/Divisoins/CACUL/publication/occupationalpapersseries/Taking-care-of-ergon.Htm>.
3. The ergonomics of children in playground equipment safety) 2004 (Journal of Safety Research.
4. Piaget, Play, Dreams and Imitation in child hood, london, pp. 146 - 150. 1998) piaget, play, Dreams and Imitation in child hood, london, pp. 146 - 150) Journal of Safety Research (2004);
۵. آرین، خدیجه؛ ل. لندرت. گاری (۱۳۷۰). بازی درمانی، دینامیسم مشاوره با کودکان.
۶. اسکویی‌زاده، رضا و دیگران. (۱۳۹۳). اساس طراحی وسایل زمین بازی برای کودکان بر مبنای اصول آنترپوومتریک.
۷. اسپادک، برنارد. آموزش در دوران کودکی.
۸. اسکوتیلر نادر و همکاران. (۱۳۷۲). ماهیت و ساختار هوش.
۹. احمدوند، محمدعلی. (۱۳۸۷). روان‌شناسی بازی.
۱۰. پهلوان‌زاده، لیلا و سهرابی، نارسیس. (۱۳۸۵). جایگاه کودک در فضای شهری امروز. ماهنامه فنی و مهندسی راه و ساختمان. جلد چهارم. شماره ۳۷.
۱۱. ترکمان، منوچهری؛ مقدم مصطفی (۱۳۸۴). بازی‌های آموزشی. انتشارات مدرسه.
۱۲. توفیق، زینت. (۱۳۸۵). چهار مقاله درباره کودکان.
۱۳. جلالی، مهدی. (۱۳۶۰). روان‌شناسی کودک. انتشارات دانشگاه تبریز.
۱۴. سینگر، دورتی و دیگران. (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر پیازه، کودک چگونه فکر می‌کند.
۱۵. شریفان، احمد. (۱۳۷۳). رشد تکنولوژی آموزشی. اردیبهشت.
۱۶. فقیه، نظام‌الدین. (۱۳۷۵). ارگونومی در طراحی و مدیریت محیط کار، شیوه‌های عملی ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۷. کول وینتا، (۱۳۹۲). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان: ترجمه فرخنده مفیدی.
۱۸. کریمی، طیبه. (۱۳۸۶). گلستان گل‌های کم‌توان ذهنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
۱۹. نجفی، مسعود و دیگران. (۱۳۹۶). اصول طراحی زمین بازی کودکان براساس تصورات کودکان؛ نمونه موردی: منطقه‌های پارک یک شهر زنجان.
۲۰. هارلوک، الیزابت. (۱۳۹۵). ترجمه وحید روان‌دوست.
۲۱. یاسری، انیسسه و دیگران. (۱۳۹۵). رابطه هوش و گرایش به نوع اسباب‌بازی در کودکان ۴ تا ۶ سال دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.

اگر اسباب‌بازی‌های کودکان با دقت و طبق اصول روان‌شناسی و هدف‌های آموزشی انتخاب شوند، در زندگی اجتماعی و روانی و رشد فکری و تربیتی آنان بسیار مؤثر خواهد بود. اسباب‌بازی باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد